

## بررسی دیدگاه مفسران مسلمان و قرآن پژوهان غربی راجع به معنای «فُرْقَان» در قرآن<sup>1\*</sup>

فرد ام. دانر

ترجمه و نقد: محمدحسین محمدپور<sup>\*\*</sup>

### چکیده:

در متن قرآن کریم واژه‌های پیچیده‌ای وجود دارد که هر کدام در بافت‌های مختلفی به کار رفته‌اند. یکی از آنها «فُرْقَان» است. مفسران مسلمان متقدم و متأخر کوشیده‌اند با مسلم گرفتن منشأ عربی این واژه، برای آن معانی گوناگونی مانند کتاب، تورات، انجیل و تمایز میان حق و باطل در نظر بگیرند. اما دانشمندان غربی برخلاف مفسران مسلمان، با تکیه بر روش‌های ریشه‌شناختی تطبیقی زبان‌های سامی، ریشه عربی برای این واژه قائل نیستند، بلکه آن را از «پورقانا»ی سریانی به معنای «نجات» دانسته‌اند. نویسنده با مقایسه دیدگاه‌های این دو گروه، ریشه‌ای جدید برای «فُرْقَان» پیشنهاد می‌کند و بر این باور است که برخلاف نظر آنها، این واژه تلفیقی از ریشه «پورقانا» به معنای «نجات» و «پوقدانا»ی سریانی به معنای «فرمان» است. در نقد و بررسی مدعای نویسنده به این نتیجه رسیده‌ایم که می‌توان بر اساس بافت برخی از آیات که ناظر به کُتُب و حیانی است، ریشه اصیل عربی برای فُرْقَان قائل شد و معنای نور برای آن در نظر گرفت و با توجه به بافت آیات دیگر که ناظر به نجات قوم بنی‌اسرائیل و پیروزی مسلمانان بر مشرکان است، می‌توان ریشه‌ای آرامی/سریانی برای آن در نظر گرفت.

### کلیدواژه‌ها:

فُرْقَان / تفاسیر اسلامی / جداکننده حق و باطل / پژوهش‌های غربیان / پورقانا (=نجات) / پوقدانا (=فرمان)

\* تاریخ دریافت: 1394/5/22، تاریخ تأیید: 1394/8/10.

در متن قرآن واژه‌های بحث برانگیز فراوانی یافت می‌شود که برخی از آنها، مدت‌های طولانی در کانون توجه شدید مفسران بوده است. مقاله پیش رو به بررسی یکی از این واژه‌ها یعنی «فرقان» می‌پردازد که در هفت آیه از قرآن دیده می‌شود. ادامه این مقدمه به اجمال، مسائلی را که واژه «فرقان» برانگیخته، عرضه خواهد کرد و دو بخش بعدی به ترتیب، تلاش‌های دانشمندان مسلمان و دانشمندان غربی را برای تبیین این واژه بررسی خواهد کرد. اجازه دهید برای سهولت ارجاعات بعدی، با فهرست کردن هفت آیه از قرآن که کلمه «فرقان» در آنها آمده، کارمان را آغاز کنیم:

- 1- ﴿وَإِذْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَالْفُرْقَانَ...﴾ (بقره/53)
- 2- ﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانَ...﴾ (بقره/185)
- 3- ﴿نَزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابُ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنجِيلَ \* مِنْ قَبْلُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَأَنزَلَ الْفُرْقَانَ...﴾ (آل عمران/3-4)
- 4- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا...﴾ (انفال/29)
- 5- ﴿إِن كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلْنَا عَلَيَّ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقَى الْجَمْعَانِ...﴾ (انفال/41)
- 6- ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى وَهَارُونَ الْفُرْقَانَ وَضِيَاءً وَذِكْرًا لِّلْمُتَّقِينَ﴾ (انبیاء/48)
- 7- ﴿تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَيَّ عَبْدِهِ لِيُكَونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا﴾ (فرقان/1)

حتی با یک بررسی ساده و سطحی این آیات روشن می‌شود که کلمه «فرقان» در بافت‌هایی آن چنان متفاوت به کار رفته که نمی‌توان معنایی واحد برای آن در نظر گرفت. تعیین دقیق حوزه معنایی (semantic range) این واژه - تا آنجا که من اطلاع دارم - به این دلیل که وجود آن در متون عربی کهن در بافت‌هایی مستقل از قرآن اثبات نشده، پیچیده و دشوار است. به نظر می‌رسد آیات شماره 1، 3، 6 و شاید 7 که در بالا ذکر شد، تلویحاً به این مسأله اشاره دارند که «فرقان» شکلی از وحی است که با متون وحیانی دیگر از قبیل «کتاب»، «تورات» و «انجیل» ارتباط دارد، اما ماهیت دقیق این ارتباط به درستی روشن نیست. با وجود این، به نظر می‌رسد آیه شماره 2 حاکی از این است که «فرقان» شکلی از وحی نیست، بلکه بیشتر گویای نیت و مقصود وحی است، درست همان طور که «هدی» که کم‌وبیش با «فرقان» یکسان است، غایت یا هدف قرآن



به‌شمار می‌آید. آیه شماره 4 آن‌قدر مبهم است که به ما اجازه نمی‌دهد چیز بیشتری بگوییم، جز آنکه بگوییم خداوند «فرقان» را برای انسان «جعل کرده است». حال این مسأله که آیا مراد از «فرقان» یک متن وحیانی است یا هدف وحی، روشن نیست. آیه شماره 5 نوعی عبارت‌پردازی (phrasing) دور از ذهن را درون خود دارد. می‌توان «فرقان» را در این آیه اشاره به شکلی از وحی دانست، اما [نکته اینجاست] که اگر آن چیزی که «در روز فرقان» نازل شده، خود فرقان است، چرا قرآن به سادگی نمی‌گوید: «اگر شما به خداوند و «فرقان» ایمان آورده‌اید، ما نازل کردیم...»؟ و دیگر اینکه معنای یکسان بودن «یوم التقی الجمعان» (روزی که دو جمع به هم می‌پیوندند) با «یوم الفرقان» (روز فرقان) چیست؟ در همه این آیات به‌جز آیه شماره 4، فرقان چیزی است که قبلاً خداوند آن را نازل کرده و مقدم بر قرآن است و قرآن آن را تصدیق کرده است، در حالی که آیه شماره 4، «فرقان» را چیزی که وعده داده شده، ولی هنوز خداوند آن را محقق نکرده، توصیف می‌کند. ما در بخش‌های بعدی این مقاله خواهیم دید که مفسران مسلمان و دانشمندان غربی برای یافتن معنایی واحد و یکدست برای کلمه «فرقان»، چگونه با این سند متنی پیچیده دست و پنجه نرم کرده‌اند.

### معنای فرقان در تفاسیر پیشین مسلمانان

بسیاری از مفسران مسلمان تلاش کرده‌اند یک تبیین ریشه‌شناختی از کلمه «فرقان» به‌دست دهند. این مفسران «فرقان» را از ریشه «فرق» به‌معنای «جدا شدن / کردن»، «تقسیم شدن / کردن» و در نتیجه «تمایز کردن» گرفته و بر آن شده‌اند که معنای فرقان اساساً «تمایز / عمل تمایز گذاشتن» یا «چیزی که تمایز می‌گذارد» است. نمونه بارز این معنا را می‌توان در تفسیر قرآن بیضاوی یافت. او هنگام شرح عبارت «انزل الفرقان» در آیه 3 سوره آل عمران می‌گوید:

«مراد خداوند از این عبارت جنس کتب الهی است، زیرا آنها چیزهایی‌اند که میان

حق و باطل تمایز می‌گذارند.» (بیضاوی، 145/1)

همین‌طور هنگام شرح آیه 41 سوره انفال، مراد از «روز فرقان» را «روز بدر»

می‌داند؛ زیرا در این روز حق از باطل متمایز شد (همان، 368).

شروح بیضاوی خلاصه‌ای از دیدگاه تفسیری غالب را که در روزگار وی پدید آمده بود، عرضه می‌کند، اما مفسران پیش از او خود را درگیر بحث‌های قابل توجهی بر سر معنای «فرقان» کرده‌اند؛ به‌گونه‌ای که می‌توان آثار آن را در برخی از مجموعه‌های تفسیری مبسوط مانند تفسیر طبری و مفاتیح الغیب فخر رازی مشاهده کرد.

بیشتر مفسران نخستین مانند بیضاوی، به معنای ریشه «فرق» ارجاع داده و استدلال کرده‌اند که «فرقان» در مواردی به عمل تمایز نهادن و جدا کردن خداوند میان حق و باطل اشاره دارد. اما آنها با طرح چنین دیدگاهی، گاهی آن‌چنان معنای نزدیک به هم و یکسانی از «فرقان» جعل کرده‌اند که آشکارا با یکدیگر فرق می‌کنند. این مفسران در بعضی موارد استدلال کرده‌اند که «فرقان» به خود قرآن اشاره دارد. برای نمونه، قتاده بن دعامة، مفسر اهل بصره، در تفسیر آیه 3 سوره آل عمران بیان کرده که «انزل الفرقان» به قرآن اشاره دارد که خداوند بر محمد ﷺ نازل کرده تا با آن، میان حق و باطل تمایز گذارد (فَرَّقَ يَا فَرَّقَ)، آنچه حلال است، حلال و آنچه حرام است، حرام گرداند، قوانین خود را وضع کند، محدودیت‌هایش را اعمال کند، فرایض خود را تصریح کند، برهان خود را آشکار سازد و به فرمانبرداری از خود و پرهیز از گناه دستور دهد (طبری، 111/3؛ همچنین نک: فخر رازی، 172/7، که قرآن را یکی از معانی محتمل «فرقان» در آیه 3 سوره آل عمران پیشنهاد می‌کند، شاید (شبهه طبری) به قتاده یا ربیع نظر داشته باشد. همچنین فخر رازی، 45/24 (برای آیه 1 سوره فرقان)، رازی در این کتاب بیان می‌کند که هیچ توافقی میان محققان وجود ندارد که فرقان در آیه 1 سوره فرقان به معنای قرآن است؛ زیرا از طریق آن میان حق و باطل در نبوت محمد ﷺ و میان حلال و حرام تمایز نهاده است).

ربیع بن آنس (م 139ق) نیز گفته است که «فرقان» در آیه 3 سوره آل عمران به قرآن اشاره دارد که حق و باطل را از همدیگر جدا می‌کند (فَرَّقَ يَا فَرَّقَ؟). با این حال مفسران دیگر، واژه «فرقان» را با کلمه «فصل» (تقسیم) جدا کردن یا تمایز نهادن میان حق و باطل از یک نوع کلی‌تر) توضیح می‌دهند که صرفاً با قرآن یکسان نیست، از این رو ابن اسحاق (م 150ق) به نقل از محمد بن جعفر بن زبیر، «فرقان» در آیه 3 آل عمران را به معنای «فصل» یا «جدا کردن میان حق و باطل» در اموری مانند عیسی 7 و مقولات دیگری که احزاب با یکدیگر اختلاف داشتند، می‌داند (طبری، 111/3).



طبری در این مناقشه بر سر معنای «فرقان» در آیه 3 سوره آل عمران، دلایلی مفصل در رد دیدگاه قتاده و رازی درباره یکسان انگاشتن «فرقان» با قرآن عرضه می‌کند و استدلال محمدبن جعفر بن زبیر را تأیید می‌کند، به این دلیل که در این آیه، خداوند به ترتیب ابتدا از «نزل الكتاب بالحق مصدقاً» سپس از نزول تورات و انجیل، و سرانجام از نزول «فرقان» سخن می‌گوید. طبری استدلال می‌کند که مراد از «کتاب با حق و تصدیق» باید قرآن باشد، اما فرقان بعدی در این آیه را نمی‌توان به معنای قرآن گرفت؛ زیرا نه دلیلی وجود دارد که این کلمه دوبار تکرار شود، و نه سودی در تکرار آن هست (همان). بنابراین «فرقان» باید به معنای یک چیز کلی تر باشد؛ یعنی جدا کردن حق از باطل.

این یکسان انگاشتن «فرقان» با «جدا کردن کلی حق از باطل» در شروحنی که بر آیات دیگر قرآن که کلمه «فرقان» در آنها به کار رفته، مانند بقره/53 و 185 و فرقان/1 نیز به چشم می‌خورد (همان، 225/1 و 135/18). مثلاً در مورد آیه اول سوره فرقان روایت جالبی عرضه می‌شود؛ به این صورت که عبارت قرآنی ﴿تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَىٰ عَبْدِهِ...﴾ به این معناست که خداوند فصل میان حق و باطل، فصل بعد از فصل و سوره بعد از سوره را بر بنده خود محمد ﷺ نازل کرد و از این رو اشاره به این دارد که هر یک از آیات قرآن یک نوع «فاصل»، یعنی جداکننده است. از سوی دیگر، فخر رازی شرحی را بر آیه 29 سوره انفال پیشنهاد می‌کند که مراد از معنای جدا کردن و تمایز نهادن برای «فرقان»، صرفاً این است که خداوند میان مؤمنان و مشرکان تمایز گذاشته است (فخر رازی، 153/15).

معنای دیگری که گاهی در کنار «فرقان» می‌آید، مخصوصاً در آیه 3 سوره آل عمران که می‌گوید: «ما فرقان را نازل کردیم»، مزامیر (=زبور) داوود است. با این حال، فخر رازی نمی‌تواند تردید خود را در باب اینکه مزامیر مجموعه‌ای از وصایا هستند که فاقد محتوای حقوقی واقعی‌اند، در مورد این تفسیر پنهان کند (همان، 172/7).

تفاسیری که بر آیه 48 سوره انبیاء ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ وَهَارُونَ الْفُرْقَانَ وَضِيَاءً وَذِكْرًا لِّلْمُتَّقِينَ﴾ نوشته شده، شروح دیگری برای «فرقان» عرضه می‌کند. ابن ابی نجیح (م131ق) و ابن جریر (م150ق) هر دو گزارش می‌کنند که مجاهد (م104ق) «فرقان» را در این آیه با «کتاب» یکسان می‌گیرد، بی هیچ توضیح اضافی که مراد از آن کدام

کتاب است. گفته می‌شود قتاده بدون تردید با دیدن توصیف آیه در مورد «فرقان» به منزله چیزی که به موسی وحی شده، هیجان زده شده و استدلال کرده که «فرقان» در این آیه به معنای تورات است که به گفته او، میان حق و باطل تمایز نهاده است (طبری، 26/17؛ فخر رازی، 178/22).

طبری با این بیان که اگر فرقان به معنای تورات باشد - همان طور که بعضی به این سخن قائلند - پس آیه را باید این گونه بخوانیم که «خداوند به موسی و هارون فرقان را به منزله یک معیار عطا کرد». اما او بلافاصله این استدلال را رد می‌کند؛ زیرا معیاری که خداوند آورده، همان تورات است. در عوض او اشاره می‌کند که در این آیه یک «او» بین «فرقان» و «ضیاء» واقع شده: «خداوند به موسی و هارون، فرقان و ضیاء را عطا کرد». به دیگر سخن، طبری با یکسان گرفتن ضیاء و تورات سعی می‌کند یکسان انگاشتن فرقان و تورات را منحرف کند؛ زیرا قواعد دستوری این آیه روشن می‌سازد که ضیاء و فرقان یکسان و مشابه هم نیستند؛ آمدن «او» میان فرقان و ضیاء، دلیل بر این است که فرقان، تورات نیست (طبری، 26/17). وی با طرح این استدلال که گویا اولین بار خود او آن را بیان کرده، مدعی می‌شود که طرفدار دیدگاه ابن زید است که فرقان موجود در آیه 48 سوره انبیاء را با تورات یکسان نمی‌داند، بلکه با حق برابر می‌گیرد؛ حقی که خداوند به موسی و هارون اعطا کرد تا «آنها را از فرعون متمایز کند و میان ایشان با حق داوری نماید».

در واقع توضیحی که ابن زید برای معنای فرقان در این آیه به دست می‌دهد، کاملاً با دیدگاه طبری متفاوت است. آن دو فقط در یکی ندانستن فرقان و تورات با یکدیگر هم عقیده‌اند. با وجود این، ما در تفسیر فخر رازی با این امر مواجهیم که برخی از منابع خبری او، فرقان را در توضیح آیه 53 سوره بقره که می‌فرماید: ﴿وَإِذْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَالْفُرْقَانَ...﴾، با تورات یکسان گرفته‌اند. فخر رازی می‌گوید:

«فرقان ممکن است تورات باشد، یا چیزی درون تورات یا چیزی بیرون از آن.»

تقریر اولین احتمال این است که تورات دارای دو ویژگی است: ماهیت آن به منزله کتابی وحیانی و ماهیت آن به منزله فرقانی که میان حق و باطل تمایز می‌نهد. اما تقریر احتمال دوم [یعنی اینکه فرقان به چیزی درون تورات اشاره دارد] این است که معنای



مورد نظر فرقان آن چیزی است که تورات از راه بیان دین مشتمل بر آن است؛ زیرا هنگامی که نازل شد، حق از باطل متمایز گشت. بنابراین معنای فرقان مقداری از آن چیزی است که درون تورات است که همان بیان اصول و فروع دین باشد. منابع خبری فخر رازی، احتمال سوم [اینکه فرقان به چیزی بیرون از تورات اشاره دارد] را با احتمالات گوناگون از جمله نشانه‌هایی که خداوند به موسی اعطا کرد، پیوند می‌دهد (مثلاً عصا و دست موسی؛ منظور از دست موسی احتمالاً اشاره به این است که هنگامی که دست فرد جزامی را داخل پیراهنش گذاشت، نورانی شد و دوباره پاک شد: مقایسه کنید با سوره طه، آیه 22 و خروج، باب 4، آیه 6-7) (فخر رازی، 77/3).

به دیگر سخن، فخر رازی در این عبارت، زیرکانه می‌کوشد تا این دیدگاه کلی را که معنای فرقان را بر اساس ریشه عربی «فرق»، «تمایز گذاشتن» می‌داند، با معانی دیگر فرقان که با آن متفاوت است و غالباً از بافتی که در آن به کار می‌رود، گرفته شده و به معنای اثر مکتوب از هر نوع است، ترکیب کند. وی در تفسیر آیه 185 سوره بقره که می‌گوید: ﴿هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ...﴾ نیز احتمال می‌دهد که فرقان به کتاب‌های مقدس پیشین برمی‌گردد. او می‌گوید: «هدایت و فرقان به تورات و انجیل اشاره دارند» (همان، 95/5).

شروح دیگری نیز برای کلمه فرقان در آیه 29 سوره انفال که می‌فرماید: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا...﴾ استخراج کرده‌اند. گزارش کرده‌اند که ضحاک بن مزاحم (م 105ق)، فرقان را به «مخرج»، یعنی «بزار فرار» تفسیر کرده است، در حالی که قتاده و سودی (م 128ق) آن را به «نجات و رهایی» تفسیر کرده‌اند. ابن عباس و عکرمه و مجاهد هر دو دیدگاه را نقل کرده‌اند. ابن اسحاق آن را با «فصل»، یعنی جدا کردن و تمایز نهادن میان حق و باطل شرح داده و یادآور می‌شود که در گویش اعراب بادیه‌نشین، «الفرقان» اسم فعل از «فَرَقْتُ» (بین الشیء و الشیء)، یعنی «هن میان یک چیز و چیز دیگر تمایز نهادم» است. طبری به وجود این اختلاف دیدگاه اشاره می‌کند و می‌گوید که معنای این سه کلمه به یکدیگر نزدیک است (طبری، 147/9).

بیشتر مفسران متقدم بر سر آیه 41 سوره انفال نیز با یکدیگر هم‌رأیند و تقریباً بدون استثنا، عبارت «يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقَى الْجَمْعَانِ» را اشاره به جنگ بدر در سال دوم

هجری می‌دانند که طی آن، نیروهای محمد 6 کاروان مکه را غافلگیر کرده و خیل عظیم لشکریان آنها را از پای درآوردند. اما هیچ کدام از این گزارش‌ها در عمل سعی نکرده‌اند معنای دقیق فرقان را مشخص کنند.

ابن عباس و مجاهد به نقل از ابن جریر، «یوم الفرقان» را به‌سادگی با جنگ بدر یکسان گرفته‌اند (طبری، 7/10؛ صنعانی، 548/5). فخر رازی در بحث خود درباره آیه 48 سوره انبیاء، تفسیر ابن عباس را مبنی بر اینکه فرقان به پیروزی نازل شده از سوی خداوند بر موسی اشاره دارد و او آن را با پیروزی در بدر یکی می‌گیرد، نقل می‌کند. اما او نیز سخن ابن زید را یادآور می‌شود که فرقان را برهانی می‌داند که میان دین راستین و دین دروغین تمایز قائل می‌شود (فخر رازی، 178/22). او در جای دیگر خاطرنشان می‌کند که «یوم الفرقان» در آیه 41 سوره انفال، به‌سادگی و بی هیچ توضیح اضافی، به جنگ بدر اشاره دارد (همان، 166/15).

خلاصه اینکه مفسران نخستین انواع گسترده از تفاسیر را برای معنای فرقان پیشنهاد داده‌اند که راستش را بخواهید، بیشتر آنها به حدس و گمان شبیه است. این تفاسیر، فرقان را با قرآن، تورات، مزامیر (=زبور) داوود، وحی‌های ادیان قبلی که البته به شیوه‌ای مبهم آنها را تعریف کرده‌اند، مطلق حق، «فصل» که خداوند با آن میان حق و باطل تمایز می‌گذارد، رهایی و نجات و پیروزی نازل شده از سوی خداوند (که معمولاً با جنگ بدر و گاهی با پیروزی موسی بر فرعون یکی می‌گیرند)، برابر گرفته‌اند.

گمان می‌رود اغلب این معانی به وضوح از زمینه‌ای که فرقان در قرآن از آن پدید آمده، برآمده باشد. اما جالب است بدانیم که این مفسران، مخصوصاً مفسران متأخر، بارها سعی کرده‌اند این معانی مختلف را به جهتی با پیوند دادن آنها به برداشت مبهمی از تمایز گذاشتن میان حق و باطل که از ریشه «فرق» گرفته شده، با این تصور که این واژه به لحاظ زبان‌شناختی ریشه عربی دارد، توضیح دهند. آنها با این ترفند در پی آنند تا بر اختلافات دیدگاه آشکارشان در باب معانی این واژه سرپوش بگذارند. اما همان طور که گیلانوم (Guillaume) یادآور شده، اگر این کلمه در عمل و به‌درستی ریشه‌ای عربی می‌داشت، قطعاً این تفاوت دیدگاه‌ها وجود نمی‌داشت (گیلانوم، 323). ما در حاشیه یادآور می‌شویم که واژه فرقان که در زبان فارسی به معنای تمایز گذاشتن میان





حق و باطل، قرآن یا به گونه‌ای عام‌تر، کتاب مقدس است، آشکارا گستره‌ای از معانی تفسیری را که نخستین مفسران مسلمان فراهم کرده‌اند، منعکس می‌کند.

### معنای فرقان در تفاسیر پسین مسلمانان

همان طور که دیدیم، مفسران مسلمان متقدم هر کدام با توجه به بافت و سیاق آیاتی که در آنها فرقان به کار رفته، معنایی را برای آن در نظر گرفته‌اند. بیشتر مفسران متأخر نیز به پیروی از پیشینیان خود و با مسلم فرض کردن ریشه عربی فرقان، معنای مشابهی برای آن در این هفت آیه پیشنهاد داده‌اند. برای نمونه، صاحب تفسیر المیزان با اشاره به ریشه فرقان که از «فرق» و به معنای جداکننده حق از باطل است، این واژه را در همهٔ این آیات هفت‌گانه به معنای جداکننده حق از باطل می‌داند و در تفسیر آیه 48 سوره انبیاء، فرقان را با توجه به آیات 14 و 7 سوره مائده، به معنای تورات گرفته و آن را مخصوص همه افراد، و ضیاء و ذکر را مخصوص متقیان می‌داند (طباطبایی، 158/20). صاحب تفسیر نمونه هم در تفسیر آیه 48 سوره انبیاء، پس از اشاره به وجود تفاسیر گوناگون از فرقان در این آیه، بر این باور رفته است که:

«این تفاسیر هیچ گونه منافاتی با یکدیگر ندارند؛ زیرا ممکن است فرقان هم اشاره به تورات و هم اشاره به معجزات و دلایل موسی 7 باشد. در سایر آیات نیز فرقان گاهی به خود قرآن اطلاق شده؛ مانند آیه 1 سوره فرقان، و گاه به پیروزی‌های معجزه‌آسایی که نصیب پیامبر گردید؛ مانند جنگ بدر که در آیه 41 سوره انفال به آن اشارت رفته است.»

اما در باب معنای ضیاء که در این آیه بلافاصله پس از فرقان به کار رفته، می‌گوید: «باید توجه داشت که فرقان به صورت معرفه آمده و ضیاء و ذکر به صورت نکره و اثر آن را مخصوص متقین می‌داند. این تفاوت تعبیر ممکن است اشاره به این باشد که معجزات و خطاب‌های آسمانی، راه را برای همگان روشن می‌کند، اما آنها که تصمیم بگیرند و از ضیاء و ذکر استفاده کنند، همگان نیستند، بلکه تنها کسانی‌اند که احساس مسؤولیت می‌کنند و بهره‌ای از تقوا دارند.» (مکارم شیرازی، 424/13)

تفسیر متأخر دیگر نیز بر همین روش رفته و در بسیاری از موارد، آن را به جداکننده میان حق و باطل تفسیر کرده‌اند و این هم برآمده از عربی فرض کردن ریشه این واژه است.

### پژوهش‌های غربیان درباره کلمه «فرقان»

محققان غربی نیز همچون پیشگامان مسلمانان، برای تبیین معنای اصطلاح قرآنی «فرقان» و زمینه‌های گوناگونی که این کلمه در آن به وجود آمده، با مشکل مواجه شده‌اند. با آنکه آنها معمولاً متوجه تلاش‌های دانشمندان مسلمان برای توضیح این واژه، از جمله اشتقاق عربی خالص آن بوده‌اند، اما با اتکا بر تکنیک‌های ریشه‌شناسی تطبیقی زبان‌های سامی، عموماً بر این گمان رفته‌اند که کلمه «فرقان» به هیچ وجه از ریشه عربی نیست، بلکه بیشتر به وام-واژه‌ای (loan-word) می‌ماند که از کلمه «پورقانا»ی آرامی، به معنای «نجات» و «رهایی» مشتق شده است.<sup>2</sup> همان طور که قبلاً گفتیم، این معنا را برخی از مفسران مسلمان (که فرقان را با «نجات» و «مخرج» عربی به معنای «رهایی» و «راه خروج» [از یک دوراهی]، مخصوصاً در آیه 29 سوره انفال که با این معنا مناسبت دارد، یکی دانسته‌اند)، پیشنهاد داده بودند. اما آنها همواره می‌کوشیدند ریشه و اشتقاقی عربی برای این معنا بیابند و آن را با یک واژه آرامی مرتبط نمی‌دانستند.

از منظر ریشه‌شناسی مقایسه‌ای زبان‌های سامی، اشتقاق فرقان از «پورقانا»ی آرامی (و شاید سریانی)، دقیق و بی‌اشکال است، اما از بخت بد، «نجات و رهایی» نمی‌تواند برای همه آیاتی که کلمه فرقان در آنها به کار رفته، معنای قانع‌کننده‌ای باشد. از هفت آیه‌ای که در آنها فرقان به کار رفته، معنای «نجات» بهتر از همه مناسب بافت و زمینه آیه 41 سوره انفال است، در حالی که به گمان من، واژه فرقان در آیه‌های دیگر نه به نجات، که به «کتاب» یا به گفته گیلاثوم، «کتابی خاص» اشاره دارد (گیلاثوم، 323).

گاهی ریشه‌شناسان غربی پیشنهاد می‌کنند که واژه عربی فرقان در اصل از ریشه آرامی است و بنابراین به معنای نجات است، اما در طول زمان، این واژه مقداری از بار معنایی ریشه عربی «فرق» به معنای «جدا کردن» یا «تمایز نهادن» را به خود گرفته (و از این رو توانسته برای وحی به کار رود).<sup>3</sup> چنین فرضیه‌ای به دانشمندان این اجازه را می‌دهد که میان دو گروه معنایی متفاوت «نجات» و «تمایز گذاشتن» مردد باشند و یکی از آن دو معنا را که به گمانشان بهترین معنای پیشنهادی برای آیه‌ای خاص است، بدون آنکه



ناگزیر شوند آن را به آیات دیگر تسری دهند، انتخاب کنند. با این حال، حتی این ترفند نیز واقعاً مسأله فراروی کلمه فرقان را حل نمی‌کند؛ زیرا هیچ کدام از این معانی با اکثریت آیات قرآن به خوبی سازگار نیست.<sup>4</sup> انتخاب یکی از دو معنای «نجات» و «تمایز گذاشتن» برای فرقان، به نظر راهی پر پیچ‌وخم و غیرمستقیم برای اشاره به کتاب وحی باشد، به‌ویژه آن‌گاه که اصطلاحات دقیق‌تر دیگری مانند کتاب، تنزیل، وحی، هدی و جز آن وجود دارند که دسترسی به آنها راحت است و به دفعات در قرآن به‌کار رفته‌اند.

اما شباهت واج‌شناختی (phonemic) و صرفی (morphological) آشکار فرقان با «پورقانا»ی آرامی، به دانشمندانی که به ریشه‌شناسی متمایل بودند، اجازه داد تا فرقان را با نجات یکی بگیرند، هرچند به خوبی با بیشتر آیات سازگار نیفتند.<sup>5</sup>

با این حال جذابیت اشتقاق ریشه آرامی فرقان برای دانشمندان غربی نه تنها ناشی از شباهت صرفی با «پورقانا»ی آرامی بوده، بلکه آگاهی یافتن از الگوی عمومی‌تر ارتباط میان بسیاری از آیات قرآن و عبارات مشابه در کتاب مقدس، اناجیل و کتاب‌های دیگر، سنت‌های یهودی و مسیحی خاور نزدیک نیز به این مسأله دامن زده است. با آنکه ماهیت و مقدار دقیق این ارتباط در بسیاری از جنبه‌ها جای تحقیق و بررسی دارد، اما شباهت‌های قابل توجه عبارات خاص یادآوری شده در قرآن از یک سو و در متونی مانند ترگوم‌ها [ترجمه‌های کتاب مقدس به زبان یونانی]، کتاب مقدس به زبان سریانی و هگادا از سوی دیگر، نشان می‌دهد که این ارتباط قابل توجه است.<sup>6</sup> این نگرش بدون تردید در بسیاری از دانشمندان غربی این انگیزه را تقویت می‌کند که با وجود دشواری معنایی که در بیشتر موارد گریبان‌گیر آن است، ریشه آرامی «فرقان» را بپذیرند.

### یک فرضیه جدید

نارسایی آشکار تفاسیر معمول برای ریشه و معنای واژه «فرقان» در قرآن، به ما این اجازه را می‌دهد که به برخی از جایگزین‌های احتمالی برای آن توجه کنیم. این واقعیت که آیات مختلف قرآن شاید در برابر تعیین ریشه و معنایی یگانه برای فرقان مقاومت کنند، حاکی از این است که ممکن است این واژه عملاً ریشه‌ای مشتق و چندوجهی داشته باشد؛ به این معنا که شاید از بیش از یک واژه که بر زمینه و بافت آن مبتنی است،

مشتق شده باشد. همان طور که در ادامه مقاله خواهیم دید، دو واژه که هر دو سُرّیانی‌اند، به احتمال زیاد به لحاظ ریشه‌شناختی، صورت‌های قدیمی‌تر فرقان عربی باشند.

### آیه 41 سوره انفال و «پورقانا»ی سُرّیانی به معنای «نجات» (رهایی)

ما بحث خود را با آیه 41 سوره انفال که می‌فرماید: ﴿إِنْ كُنْتُمْ آمَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلْنَا عَلَيَّ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقَى الْجَمْعَانِ...﴾ آغاز کردیم. گفتیم که مفسران مسلمان معمولاً مدعی شده‌اند که که «یوم التقی الجمعان» به جنگ بدر اشاره دارد که گزارش‌های سنتی از زندگی محمد 6، آن را یک پیروزی معجزه‌آمیز و غلبه لشکر اندک او بر نیروهای عظیم قبایل قریش که مانع رسیدن کاروان به مکه شد، توصیف کرده‌اند.<sup>7</sup> با این حال، خوب است به این نکته اشاره کنیم که کلمات موجود در این آیه و آیات قبل و بعد آن در واقع نه اشاره‌ای به نام بدر دارند، و نه چیزی یافت می‌شود که به صراحت بتوان آثاری از این جنگ، آن گونه که در کتاب‌های سیره توصیف شده، یافت؛ مگر مجموعه‌ای از فرمان‌های کلی که در جنگ چگونه رفتار کنند.

به هر حال اصطلاح نامتعارف «الجمعان» (دو گروه یا دو بخش) که به منزلهٔ زمینه‌ای برای رویداد توصیف شده در آیه 41 سوره انفال عرضه شده، در آیه 61 سوره شعراء نیز وجود دارد. اما در آنجا این اصطلاح به جنگ بدر ارتباطی ندارد، بلکه بخشی از داستان چگونگی نجات یافتن موسی و بنی‌اسرائیل از چنگ سپاه فرعون به وسیله شکافتن دریاست. مراد از این «الجمعان» (دو گروه) در آیه 61 سوره شعراء، بنی‌اسرائیل به رهبری موسی و سپاه فرعون هستند. اینکه چرا مفسران مسلمان نتوانسته‌اند پیوندی میان این دو آیه برقرار کنند، روشن نیست و در هر صورت خارج از حوصله این مقاله است. با وجود این، با توجه به وجود یکسان اصطلاح «الجمعان» در دو آیه، خوب است به این احتمال توجه کنیم که آیه 41 انفال همانند آیه 61 شعراء، ممکن است اشاره به روزی باشد که در آن، بنی‌اسرائیل به یاری خداوند از چنگال لشکریان فرعون نجات یافتند.

در نسخهٔ سُرّیانی سفر خروج که عبور بنی‌اسرائیل از دریای سرخ را توصیف می‌کند، موسی به این معجزه به‌عنوان نجات خداوند (پورقانه د-ماریا) اشاره می‌کند (خروج، 14/13). همین طور قوم بنی‌اسرائیل پس از این واقعه، هنگامی که در جشن پیروزی‌شان آواز سر داده و پروردگارشان را سپاس می‌گویند، او را منجی و رهاننده



خود وصف می‌کنند (پاروقا، خروج، 15/2). بنابراین به نظر امری معقول می‌رسد که بتوان «فرقان» عربی را اشتقاقی از کلمه «پورقانا»ی سریانی، در توصیفاتی که از داستان عبور از دریای سرخ در قرآن ارائه شده، نشان داد که به سبب اشاره به «الجمعان» (دو گروه) در آیه 41 سوره انفال، این احتمال دور از ذهن نیست.

با این دید می‌توان اصطلاح عربی «یوم الفرقان» را در آیه 41 سوره انفال به شیوه‌ای معقول به «روز نجات» برگرداند؛ چرا که در واقع اطلاق این صفت مناسب مداخله معجزه‌آمیز خداوند در شکافتن دریا و نجات بنی‌اسرائیل از چنگ فرعون خواهد بود؛ رویدادی فراطبیعی یا به عبارتی معجزه‌آمیز، البته اگر روزی روزگاری چنین حادثه‌ای اتفاق افتاده باشد! بنابراین در این صورت گویا همان طور که دانشمندان غربی مدت‌ها قبل پیشنهاد داده بودند، باید فرقان را مشتق از ریشه سریانی «پورقانا» به معنای «نجات» بدانیم.<sup>8</sup> اما به نظر می‌رسد ما با این کار به واقعه‌ای اشاره کرده‌ایم که در زندگی موسی و تاریخ قوم بنی‌اسرائیل روی داده است، نه در زندگی محمد **6**، آن‌گونه که کتاب‌های سیره بدان پرداخته‌اند.

**آیه 53 بقره، آیه 48 انبیاء، آیه 3 آل عمران و «پوقدانا»ی سریانی به معنای «فرمان»**  
آیه 53 بقره و آیه 48 انبیاء تصویری کاملاً متفاوت به دست می‌دهند. این دو آیه بلافاصله به رویدادی که در کتاب مقدس وجود دارد، اشاره می‌کنند؛ یعنی وحی‌های خداوند به موسی شامل الواح شریعت که حاوی فرمان‌های ده‌گانه است؛ اما گویا معنای «نجات» در هیچ کدام از این آیات [برای کلمه فرقان] مناسب نیست. هنگامی که به بررسی جملات موجود در متن سریانی سفر خروج، که مربوط به ملاقات موسی با خداوند بر فراز کوه سیناست، می‌پردازیم، به هر حال به این نکته پی می‌بریم که واژه‌ای که برای نشان دادن دستورات خداوند به کار رفته، «پوقدانا» (جمع آن پوقدائی) است که با یک مقایسه و انطباق می‌شود به شباهت املائی قابل توجه آن به «پورقانا» پی برد (شکل ظاهری پورقانا‌ی آرامی را با پوقدانا‌ی سریانی مقایسه کنید). آیا این صرفاً یک تصادف است؟ آیا امکان دارد در مواردی، «فرقان» قرآن را در آیاتی که درباره وحی به موسی است، عملاً مشتق از واژه سریانی «پوقدانا» به معنای «فرمان» بدانیم؟

به این خاطر شخصی که برایتان نقل می‌کنم، توجه کنید: امکان وجود ارتباط میان «فرقان» و «پوقدانا»ی سریانی نخستین بار در نتیجه یک قرائت اشتباه برای من، وقتی که سی سال پیش دانش‌آموز بودم و داشتم تکالیف درس زبان سریانی را انجام می‌دادم، اتفاق افتاد. در حال انجام تمرینات ترجمه بودم که به غلط، عبارت «پوقدانو دِ موشه»، یعنی «فرمان‌های موسی» را «پوقرانو دِ موشه» خواندم؛ یعنی به اشتباه حرف «د» در واژه سریانی «پوقدانا» (فرمان) را «ر» خواندم. ارتکاب این اشتباه لاقبل برای یک فرد مبتدی دور از ذهن نیست؛ زیرا در نسخه سریانی، حروف «د» و «ر» با یک علامت نوشته می‌شوند و فقط با نقطه‌ای که بالای حرف «ر» و پایین حرف «د» قرار می‌گیرد، از هم متمایز می‌شوند، و من اینها را با هم اشتباه گرفته بودم. هرچند با انجام این کار متوجه شدم کلمه اشتباه خوانده شده «پوقرانا» (اگر ما در کنار این قرائت اشتباه ساده، جای حروف وسط «ق» و «د/ر» را با هم عوض کنیم) به نظر خیلی شبیه واژه «پورقانا» به معنای «نجات» خواهد بود. از آن زمان من فهمیدم که برخی از نمونه‌های فرقان در قرآن دقیقاً به چیزی که خداوند به موسی اعطا کرده، اشاره دارند.

در کنار هم قرار گرفتن «پوقدانا» و «موسی» در تمرینات سریانی، مرا به این سمت سوق داد که با شگفتی از خود پرسیم آیا نمی‌شود واژه فرقان را در آیات 53 بقره و 48 انبیاء که به‌صراحت از موسی نام می‌برد، حال به سبب قرائت اشتباه آن یا هر اشتباهی، از واژه «پوقدانا»ی سریانی مشتق بدانیم؟ این پرسش هم مطرح می‌شود که آیا همه متون سریانی زمان محمد <sup>6</sup> به صورت یک‌دست و هماهنگ، نقطه بالا و پایین را که «دال» را از «راء» متمایز می‌کند، به‌کار می‌بردند؟ با آنکه به‌نظر می‌رسد بعضی از نخستین متون سریانی (قرن پنجم پیش از میلاد)، این نقطه را به‌صورت نظام‌مند به‌کار می‌بردند، روشن نیست که همه نسخه‌های خطی چنین دقیق بوده باشند.<sup>9</sup> اگر این گونه باشد، می‌توان احتمال داد هنگامی که قرآن نخستین بار در نیمه اول قرن هفتم میلادی نوشته می‌شد، این علامت در متون مکتوب مورد نظر کاملاً مفقود شده باشد.

بررسی عبارات مطرح شده در عهد قدیم سریانی (پشیتا) که از ابلاغ فرمان‌های ده‌گانه سخن می‌گوید، نشان می‌دهد که واژه به‌کار رفته برای فرمان‌های وحی شده به موسی بر فراز کوه سینا، در بیشتر موارد - همان‌طور که گفتیم - همان پوقدانا است، یا



بر اساس اقتضائات نحوی این عبارت) اسم فعل یا فعلی از ریشه «پقد» (فرمان دادن) است. از این رو مثلاً خداوند در سفر خروج به زبان سریانی، باب 34 آیه 6 در پایان حکم ممنوعیت [پرستش] بُت‌ها (graven images)، به «آنهایی که مرا دوست دارند و فرمان‌هایم [پوقدائی] را محترم می‌شمارند»، اشاره می‌کند. در سفر خروج، 32/34 به ما می‌گوید که [موسی] همه آن چیزهایی که خداوند با او در کوه سینا سخن گفته بود، در این فرمان [پَقَد] به آنها ابلاغ کرد.<sup>10</sup> در تثنیه، 13/4 آمده است: «او [خداوند] عهد خود را با تو آشکار کرد و به تو فرمان داد [پَقَد - کُن] تا اجرا کنی...».<sup>11</sup> تثنیه، 29/5 به قوم بنی‌اسرائیل فرمان می‌دهد که «...از من بهراسید و همه فرمان‌های [پوقدائی] من را محترم شمارید». در تثنیه، 31/5 خداوند به موسی می‌گوید: «...من همه فرمان‌ها و قوانین و اوامر [ناموسی و پوقدائی و دینی]»<sup>12</sup> را به تو خواهم گفت که تو باید به قوم خود تعلیم دهی...». تثنیه، 6/1 می‌گوید: «کنون این است فرمان‌ها، قوانین و اوامر که خداوندگار شما به من دستور داد تا به شما تعلیم دهم... [ها لِن پوقدائی و - ناموسی و - دینی دِ - پَقَد - نی ماریا إلاه - کُن دِ - اَلَف کُن]».

این عبارات بی هیچ تردیدی نشان می‌دهد هنگامی که پای فرامین وحی شده خداوند [به موسی] در پشتینا به میان می‌آید، واژه «پوقدانا» به دفعات برای «فرمان» انتخاب می‌شود. یا اگر قرار است فعلی آورده شود، بارها فعلی مشتق از همان ریشه «پقد»، یعنی «فرمان دادن» به کار گرفته می‌شود. کلمات دیگری که گاه در این سیاق‌ها به چشم می‌خورد (مخصوصاً ناموسا «قانون» [از نوموس یونانی] یا دینا «حکم، امر، قانون»)، معانی کاملاً متفاوتی دارند و تقریباً هیچ‌گاه به صورت خاص برای اشاره به فرامین به کار نمی‌روند؛ هر چند جایگاه معنایی مشابهی را اشغال می‌کنند.

عبارات موجود در ترجمه‌های یهودی - آرامی و نسخه‌های اسفار پنج‌گانه (ترگوم‌ها)، واژه «پوقدانا» را به کار نمی‌برند، اما [در عوض] کلمات دیگری که از ریشه «پقد» است، به کار می‌گیرند و با این کار نشان می‌دهند که ارتباط این ریشه با فرمان‌ها (شامل ده فرمان) قوی است.<sup>13</sup> از این رو ترگوم اُنلوس برای خروج، 24/12، «تَقیدت» (فرمان)، و ترگوم جاناتان مجعول «پیقودیا» (فرمان‌ها) را به کار می‌برند. به همین صورت ترگوم اُنقلوس و ترگوم نُوفیتی واژه «پیقودیا» (فرمان‌های من) را استفاده می‌کنند. همچنین

ترگوم اَنقلوس برای تثبیه، 28/5 (نسخه استاندارد بازبینی شده کتاب مقدس، 31/5) «کُل یقودی» (همه فرمان‌های من) و برای تثبیه 6/1، «تپقدیتا» (فرمان) استعمال می‌کنند.

به بیان دیگر، گویا واژه «پوقدانا» بیشتر در نسخه‌های مسیحی آرامی (سریانی) کتاب مقدس برای اشاره به فرمان‌های خداوند به کار رفته تا در نسخه‌های یهودی آن. علاوه بر این، پوقدانا به صورت مشخص در متون مقدس مسیحی سریانی متأخر مانند مواعظ افرم سریانی (قرن چهارم میلادی) معادل فرمان‌های خداوند به کار رفته است. از این رو در یکی از موعظه‌های افرم گفته می‌شود که گناهکار به سبب محترم نشمردن فرمان [پوقدانا] باید مجازات شود.<sup>14</sup> در موعظه دیگری او می‌گوید: «حتی هوای پیش روی ما/ تو مار بزرگی است با فرمان‌های خداوند [کِرکا ربا د- پوقدانو]».<sup>15</sup> همچنین در یک موعظه دیگر یادآور می‌شود که «چه کسی از خداوند می‌هراسد و فرمانش [پوقدانو] را محترم می‌دارد».<sup>16</sup>

اگر ما تصور کنیم که فرقان در آیه 53 بقره و 48 انبیاء، اشتقاق تحریف یافته‌ای از پوقدانای سریانی است، این دو عبارت قرآنی کاملاً قابل فهم و روشن خواهند شد. می‌توان آیه 53 بقره را که به وضوح به دریافت الواح شریعت از سوی موسی بر فراز کوه سینا اشاره دارد، این گونه ترجمه کرد: «...هنگامی که ما به موسی کتاب و فرمان‌ها را عطا کردیم». همین طور می‌شود آیه 48 انبیاء را نیز به این صورت ترجمه کرد: «ما به موسی و هارون فرمان‌ها و ضیاء (نور) و یادکردی برای تقوای پیشگان عطا کردیم».

ما حتی می‌توانیم یک گام جلوتر برویم و بگوییم که آیه 3 آل عمران که از فرقان به منزله چیزی که «نازل شده» سخن می‌گوید، به همین صورت آن را به معنای «فرمان‌ها» به کار می‌برد: «او بر تو کتاب و حق را نازل کرد و تأییدکننده آنچه را که پیش از آنها بود و او تورات و انجیل را پیش از آن برای هدایت مردم فرستاد و نازل کرد فرمان‌ها را». با آنکه در این آیه به صراحت نامی از ملاقات موسی با خدا بر روی کوه سینا برده نمی‌شود، اما از وحی‌های مکرر خداوند به امت‌های مختلف سخن می‌گوید، از این رو می‌توان آن را زمینه‌ای مناسب در نظر گرفت که در آن، ابلاغ فرمان‌های خداوند به موسی نیز ذکر شده باشد.<sup>17</sup>





## آیه 1 فرقان، آیه 185 بقره و آیه 29 انفال

سه آیه باقی مانده از قرآن که در آنها واژه فرقان به کار رفته، زمینه‌ای مبهم فراهم می‌کنند و از این رو نمی‌توان به دقت آنها را تبیین کرد. در برخی موارد تعیین اینکه این کلمه ذکر شده در قرآن از کدام یک از دو ریشه پیشنهادی مشتق شده، مشکل است. آیه 1 فرقان این واژه را به چیزی که «نازل شده»، تعبیر می‌کند، اما این زمینه و بافت مبهم‌تر از آیه 3 آل عمران است. در این آیه هیچ اشاره‌ای به وحی‌های دیگر نشده است. در این آیه می‌خوانیم: ﴿تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَىٰ عَبْدِهِ لِيَكُونَ لِلْعَالَمِينَ نَذِيرًا﴾. احتمال می‌دهم مراد از بنده او [یعنی خداوند] در این آیه، محمد 6 باشد، اما در این صورت ترجمه فرقان به «فرمان» یا «فرمان‌ها» - مخصوصاً فرمان‌هایی که به موسی وحی شده - به نظر خیلی مناسب نیست. از سوی دیگر، اگر مقصود از «بنده او» در عمل موسی باشد، نه محمد 6، در این صورت معنای «فرمان‌ها» کاملاً مناسب این آیه خواهد بود.

ابهام در آیه 185 بقره بیشتر است و در آن هیچ عبارت صریحی که بشود فرمان را با موسی بر فراز کوه سینا ارتباط داد، نمی‌توان یافت. با وجود این می‌توان «فرمان» به معنای کلی آن را برای این آیه در نظر گرفت: ﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِّلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ...﴾ [ماه رمضان ماهی است که در آن قرآن برای هدایت مردم و نشانه‌هایی از هدایت و فرمان نازل شده است]. اما معنای «نجات» در اینجا برای فرقان مناسب‌تر خواهد بود.

آیه 29 انفال - همان طور که قبلاً اشاره شد - با همه ارجاعات دیگر به «فرقان» متفاوت است؛ زیرا فرقان در این آیه به چیزی که در آینده اتفاق خواهد افتاد، اشاره دارد؛ در حالی که همه آیات دیگر، فرقان را بر شرایط و موقعیت‌های گذشته منطبق می‌کنند. در این صورت به نظر می‌رسد «نجات» برای این عبارت معنای بهتری باشد؛ البته این فقط یک نظر است.

### نقد و بررسی

نویسنده مقاله با طرح این مدعا که فرقان در قرآن منحصرراً ریشه‌ای آرامی - سریانی دارد و در هیچ یک از متون کهن مستقل از قرآن وجود نداشته، معنایی برای آن در نظر

گرفته و راه هرگونه تلاش برای یافتن ریشهٔ عربی این واژه را می‌بندد. اما برخی از محققان با این قطع و یقین اطمینان ندارند که فرقان ریشهٔ عربی نداشته باشد. برای مثال ونسینک (Wensinck) از دو ریشهٔ جداگانه در قرآن برای فرقان سخن گفته است: یکی پورقانی سیرانی به معنای «نجات»، و دیگری واژهٔ عربی خالص به معنای «تمایز نهادن» که در قرآن کریم برای وحی به کار رفته است. اما برای نقد و بررسی مدعای نویسنده باید سراغ متون کهن مستقل از قرآن برویم و ردّ پای این واژه را در آنها جست‌وجو کنیم.

در برخی از متون کهن ادبی برجای مانده، فرقان به معنای «طلوع آفتاب» یا همان سپیده‌دم به کار رفته است. برای نمونه در *لسان العرب* و *تاج العروس* این عبارت وجود دارد که گفته است: «فصَبَّحْتُ قَبْلَ اِذَانِ الْفِرْقَانِ». ابو عبیده در این جمله، فرقان را به معنای صبح گرفته است. زبیدی صاحب *تاج العروس* در جایی دیگر، هنگامی که از سپیده‌دم یا صبح سخن می‌گوید، فرقان به معنای صبح را نوعی مجاز می‌پندارد.

از آنجا که ریشهٔ «فرق» دلالت بر تقسیم چیزی دارد، گویا فرقان در اینجا اسم فعل به معنای درهم شکستن تاریکی است؛ همان طور که نور این کار را انجام می‌دهد. شکل دیگری که از ریشهٔ «فرق» مشتق شده، با صبح و سپیده‌دم همراه شده است، «فَرَقَ» می‌باشد. تعبیر «فرق الصبح» از دیدگاه اهل لغت به معنای ابتدای صبح است. آنها معتقدند به این واژه به این دلیل «فَرَقَ» می‌گویند که از تاریکی شب جدا شده و به سپیده‌دم پیوسته است. در برخی از گویش‌های عربی، «فَرَقَ» به «فَلَقَ» تبدیل شده و به جای «فرق الصبح»، «فلق الصبح» گفته می‌شود (مرزوقی، 243). اما باید دید آیا فرقان در قرآن نیز معنای اصیل عربی آن، یعنی طلوع صبح یا سپیده‌دم و چیزی را که تاریکی را درهم می‌شکند و به نور می‌پیوندد، تداعی می‌کند یا نه؟

به نظر می‌رسد معنای طلوع صبح یا جدا شدن از تاریکی را بتوان بر آیاتی که واژه فرقان در صدد توصیف متون مقدس وحی شده برمی‌آید، منطبق کرد. دیدگاه نهفته در پس فرقان به معنای متن مقدس وحی شده، منبعی از نور است که فرد را از تاریکی جهل و نادانی نجات می‌دهد. این دیدگاه کاملاً بر آیهٔ 1 سورهٔ فرقان منطبق است. این آیه می‌فرماید: «خداوند برای پیامبر خود پیام روشنگرانه‌ای را فرو فرستاد تا او را قادر سازد که مردم را هشدار دهد و نور هدایت را به آنها نشان دهد». در آیهٔ 185 سورهٔ



بقره نیز مترادف میان فرقان و هدایت که دو بُعد مکمل نشانه‌های آشکار خداوند است، زمانی به درستی فهم خواهد شد که فرقان را به معنای نور در نظر بگیریم. در آیات 3 و 4 سوره آل عمران نیز کلمه فرقان با مفهوم هدایت همراه شده است. بنابراین باید واژه فرقان به عنوان نام یا توصیفی برای متون مقدس وحی شده را کاملاً در بافت و سیاق نمادگرایی نور در قرآن کریم فهمید.

آیه 29 سوره انفال، فرقان را به منزله پاداش تقوا معرفی می‌کند. فرقان در این آیه درست مترادف با اصطلاح «مخرج» در آیه 2 سوره طلاق است که خداوند آن را پاداش متقین قرار داده است. در واقع «مخرج» جایگزین «فرقان» شده است. این موضوع در آیه 4 سوره طلاق نیز تکرار شده و در آن، واژه «یسر» به جای فرقان برای پاداش تقوا در نظر گرفته شده است.

خلاصه سخن اینکه بر خلاف دیدگاه نویسنده این مقاله، می‌توان برای کلمه فرقان در قرآن دو ریشه اساسی ارائه داد. یکی ریشه عربی خالص آن به معنای نور صبح یا سپیده‌دم که به شکستن تاریکی ناظر است، و دیگری ریشه آرامی - سریانی آن که به معنای نجات از طریق تقسیم شدن یا جدا شدن صورت می‌گیرد. ریشه عربی اصیل فرقان در آیاتی به کار رفته است که معنای هدایت را افاده می‌کند و ناظر به کتاب‌های مقدس وحی شده است. اما ریشه آرامی - سریانی فرقان به معنای «نجات» را در آیاتی می‌توان یافت که با نجات موسی 7 و قوم بنی اسرائیل و یا پیروزی مسلمانان بر مشرکان مرتبط باشد.

مفسران قرآن در طول تاریخ به معنای «نجات» آگاه بوده‌اند، اما ترجیح داده‌اند آن را به معنای «تمایز نهادن میان حق و باطل» تفسیر کنند. البته این سخن به آن معنا نیست که آنها این کار را کرده‌اند تا ریشه عربی غلطی برای واژه فرقان بسازند، بلکه به عکس، تلاش تفسیری فروتنانه‌ای کرده‌اند تا معنای اصیل فرقان را که همان نور است، از دل آن بیرون کشیده و بر بافت آیات یادشده بنشانند. از این رو نمی‌توان این واژه را صرفاً از واژگان دخیل دانست و بر این اساس نتیجه گرفت که قرآن در یک فرایند کتبی شکل گرفته و خاستگاهی شفاهی و وحیانی ندارد.

1. مشخصات کتابشناختی مقاله به این شرح است:

Fred M. Donner, "Quranic Furqan", in *Journal of Semitic Studies* LIII/2, Autumn 2007, p.279.

2. برای نمونه بنگرید به:

Arthur Jeffry, *The Foreign Vocabulary of the Quran* (Baroda, 1938), 225-9; Julian Obermann, "Koran and Agada, The Events at Mt.Sinai", *American Journal of Semitic Languages and Literatures* 58 (1941), p.23-48, at pp. 37-8; J. Wellhausen, "Zum Koran", *ZDMG* 67 (1913), p.630-4.

نیز تلقی‌اش این است که «فرقان» ریشه‌ای آرامی دارد. همچنین نک:

Encyclopedia of Islam (2nd ed.), s.v. "Furkan" (Rudi Paret).

که مروری بر نوشته‌های غربیان دربارهٔ این مناقشه است.

3. نولدکه بر این باور است که: «معنای وحی در زبان آرامی تأیید نشده است. بنابراین احتمال می‌دهیم این معنا برای نخستین بار در حوزهٔ زبان عربی پدید آمده باشد. اگر بخواهیم تصور کنیم که یک بدفهمی ساده از طرف محمد ﷺ رخ داده است، باز این نکته به قوت خود باقی است که آیا این تغییر معنا در جامعه‌ای که در آن امید به رهایی و نجات همهٔ ابعاد تفکر دینی را تحت‌الشعاع خود قرار داده است، نمی‌توانست اتفاق افتاده باشد؛ یعنی ابتدا به احتمال زیاد در میان مسیحیان و در مرحلهٔ بعد در اجتماع یهودیانی که منتظر مسیحا بودند.»

(Geschichte des Qorans, [2nd ed., Leipzig 1909], 34, note 1)

4. بحث پیچیده در باب معنای «فرقان» در کتاب والدندانک با عنوان *Fasting in the Koran* قطعاتی را آشکار می‌سازد که ضروری است در پی یافتن یک تبیین منسجم برای معنای این کلمه در قرآن باشیم.

5. در هیچ کدام از دو کتاب گونتر لولینگ و کریستوف لوکزیبرگ که در حوزهٔ مطالعات قرآنی در غرب چاپ شده و اصلاحات گسترده‌ای را برای متن عربی قرآن پیشنهاد داده‌اند، واژه «فرقان» بررسی نشده است.

6. برای نمونه:

Geiger, *Was hat Mohammed...*; Tor Andrae, "Der Ursprung des Islam und das Christentum", *Kyrkshistorisk arsskrift* 23 (1923) 149-206, 24 (1924) 213-92, 25 (1925) 45-112; Richard Bell, *The Origin of Islam in its Christian Environment* (London 1926); Heinrich Speyer, *Die biblischen Erzählungen im Qoran* (Grafenhainchen 1931); Charles C. Torrey, *The Jewish Foundation of Islam* (New York 1933); Julian Obermann, "Koran and Agada".

7. شمار لشکریان قریش متفاوت نقل شده است، اما عموماً باور بر این است که تعداد آنها دو

یا سه برابر پیروان محمد ﷺ بوده است. برای بحثی فشرده در این باره نک:



W. M. Watt, Muhammad at Medina, (Oxford 1956), 10-13.

8. لیدزبارسکی خاطر نشان می‌کند که عبارت «یوم الفرقان» در آیه 41 سوره انفال دقیقاً با عبارت «یوما د-پورقانا» (روز رهایی و نجات) در اشعیا 49/8 در پشتی و ترگوم‌های آرامی مطابقت دارد (جفری، 226؛ لیدزبارسکی، 92).

9. من از داوران گمنام (و بسیار دانشمند) که پیش‌نویس این مقاله را برای مجله مطالعات سامی مطالعه کرده و مرا به نسخه خطی شماره 12150 کتابخانه ملی بریتانیا که به سال 411 میلادی مربوط می‌شود و در آن این نقطه‌ها به صورت نظام‌مند استفاده شده است، ارجاع دادند، سپاسگزارم. از سوی دیگر جی. بی سگال در کتاب خود با عنوان «قطعه‌های زیر و زبری و لهجه‌ها در زبان سریانی» استفاده از این نقطه را به پیش از 600 میلادی برمی‌گرداند، اما به نظر می‌رسد تلویحاً باید اشاره کنیم که برخی از متون کهن‌تر و (شاید برخی متون متأخرتر نیز) این نقطه را با حروف د/ر به کار نمی‌بردند یا اینکه با این انسجام استعمال نمی‌کردند.

10. نقل قول‌های کتاب مقدس از ترجمه نسخه استاندارد بازرینی شده (RSV) تبعیت می‌کند.

11. در ترجمه نسخه استاندارد بازرینی شده کتاب مقدس به طرز گمراه کننده‌ای از «ده فرمان» سخن می‌گوید، در حالی که در زبان عبری «کلمات» به چشم می‌خورد (نه فرمان‌ها)؛ همین طور در زبان سریانی به گفته ترگوم اَنقُلوس، پتگامین یعنی «کلمات» داریم.

12. تثنیه، 31/5 در نسخه استاندارد بازرینی شده کتاب مقدس با تثنیه، 27/5 در متن عبری ویرایش شده کتاب مقدس مطابقت می‌کند. برای من روشن نیست که چرا مترجمان نسخه استاندارد بازرینی شده، نظم سه واژه مطرح شده در کتاب مقدس سریانی و عبری را به صورت قانون، فرمان و امر می‌آورند.

13. Alexander Sperber (ed.), The Bible in Aramaic. Vol. I. The Pentateuch according to Targum Onkelos (Leiden 1959); Israel Drazin, Targum Onkelos to Exodus (New York c. 1990); Israel Drazin, Targum Onkelos to Deuteronomy (New York c. 1982); E. G. Clarke, Targum Pseudo-Jonathan of the Pentateuch: Text and Concordance (Hoboken 1984); Alejandro Diez Macho, Neophyti 1. Tomo II. Exodo (Madrid 1970).

من از شری لُوین به خاطر بازرینی بسیاری از ارجاعات من به ترگوم‌ها و کتاب مقدس عبری و نیز یادآوری این نکته که در ده فرمان بیش از ده فرمان به چشم می‌خورد، سپاسگزارم.

14. Edmund Beck, Des Heiligen Ephraem des Syers Sermones I, Sermo 2, line 1298 (Louvain 1970), p. 37 [=CSCO vol. 305, Scriptorum Syri, Tomus 130].

15. Ibid, 1/3, line 377 (p. 54).

16. Edmund Beck, Des Heiligen Ephraem des Syers Sermones III/1 (CSCO vol. 320, Scriptorum Syri, Tomus 138) (Louvain 1972), p. 1 and in this sermon.

17. ما باید در اینجا به آیه 106 سوره اسراء که می‌فرماید: ﴿وَقَرَأْنَا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ﴾ اشاره کنیم. استفاده از فعل «فَرَقَّ» در بافت آگاهی بخشی قرآن ممکن است عده‌ای را به این گمان اندازد که می‌توان در توجیه کلمه «فرقان»، آن را اسم فعل از ریشه «فَرَقَّ» دانست. اما باید به جای این تلقی، فعل «فَرَقَّ» را دستکاری دیگری از شکل اولیه آرامی - سریانی فعل «فَرَقَدَ» به معنای «فرمان دادن» در نظر بگیریم.

## منابع و مأخذ

1. قرآن کریم.
2. کتاب مقدس (عهد قدیم و عهد جدید).
3. ابن منظور، محمدین مکرم؛ لسان العرب، بیروت، دار صادر، 1375ق.
4. بلاذری، احمد بن یحیی؛ جمل من انساب الاشراف، بیروت، مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، 1996م.
5. بیضاوی، عبدالله بن عمر؛ انوارالتنزیل و الاسرارالتأویل، بیروت، دارالفکر، بی تا.
6. رازی، فخرالدین محمد بن عمر؛ مفاتیح الغیب، بیروت، دار الکتب العلمیه، 1421ق.
7. صنعانی، عبدالرزاق بن همام؛ تفسیر القرآن العزیز، بیروت، دار المعرفه، 1411ق.
8. طباطبایی، سید محمدحسین؛ المیزان فی تفسیر القرآن، تهران، دار الکتب الاسلامیه، 1396ق.
9. طبری، محمد بن جریر؛ جامع البیان فی تأویل القرآن، مؤسسه الرساله، 1420ق.
10. زبیدی، محمد بن محمد؛ تاج العروس من جواهر القاموس، بیروت، دار الفکر، 1387ق.
11. مرزوقی اصفهانی، ابوعلی احمد بن محمد؛ الازمنه و الامکنه، بیروت، دار الکتب العلمیه، 1417ق.
12. مکارم شیرازی، ناصر و همکاران؛ تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه، 1387ش.
13. Alexander Sperber (ed.); **The Bible in Aramaic**. Vol. I. The Pentateuch according to Targum Onkelos, Leiden, 1959.
14. Arthur Jeffry; **The Foreign Vocabulary of the Quran**, Baroda, 1938.
15. Charles C. Torrey; **The Jewish Foundation of Islam**, New York, 1933.
16. E. G. Clarke; **Targum Pseudo-Jonathan of the Pentateuch: Text and Concordance**, Hoboken, 1984.
17. Julian Obermann, "Koran and Agada, The Events at Mt.Sinai"; **American Journal of Semitic Languages and Literatures**, 58, 1941.
18. Richard Bell; **The Origin of Islam in its Christian Environment**, London, 1926.
19. Theodore H. Robinson; **Paradigms and Exercises in Syriac Grammar**, 4th ed., Oxford, 1962.
20. W. M. Watt; **Muhammad at Medina**, Oxford, 1956.